خبر روز

حمایت و پشتیبانی در کار و زندگی با «شروع تازه»

قطعا می‌دانید که شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی هرکدام برنامه‌های صبحگاهی خود را دارند، با ویژگی‌های مطابق با سیاست‌های شبکه، مجری‌ها، برنامه سازها و معیارهایی که هر شبکه دارد. از این رو برنامه صبحگاهی شروع تازه، یکشنبه ۸ خرداد به موضوع حمایت و پشتیبانی در کار و زندگی می‌پردازد.
دکتر مهرنوش دارینی، روان‌شناس و مدرس دانشگاه در برنامه فردا در مورد حمایت در کار و زندگی مطالبی را بیان می‌کند.
این برنامه با آیتم‌های متنوعی در هر بخش رضایت شما شنوندگان را جلب می‌کند. در آیتم نمایشی خانواده محکم موضوعات اقتصادی کانون خانواده را از دریچه طنز می‌شنویم. اگر می‌خواهید با راز و رمز موفقیت کارآفرینان آشنا شوید با آیتم ما می‌توانیم همراه شوید. در آیتم روزنه، داغ‌ترین اخبار اقتصادی و تحلیل آن را توسط مسؤولان بشنوید در این آیتم با فهیمه کاکاوند، کارشناس خبری همراه باشید. در سرزمین من هر روز به یکی از استان‌های کشور سفر خواهیم کرد و شما شنوندگان را با جاذبه‌های گردشگری و ظرفیت‌های اقتصادی استان‌های مختلف کشور آشنا می‌کنیم. شروع تازه به همت گروه اقتصاد و جامعه و به تهیه‌کنندگی سودابه ایلانلو شنبه تا پنجشنبه ساعت ۶ و ۵ دقیقه از شبکه رادیویی اقتصاد موج اف ام ردیف ۹۸ مگاهرتز به‌صورت زنده روی آنتن می‌رود.

یادداشت

ماجراهای آتقی و کامیونش

نگاهی به سریال «خوش‌غیرت» که بازپخش آن روی آنتن شبکه آی‌فیلم است

فاطمه صمدی
گروه رسانه

مخاطبان تلویزیون پیش از این‌که مجموعه‌های «خوش‌رکاب» و «خوش‌غیرت» را در دهه ۱۳۸۰ به تماشا بنشینند، اصلا تصورش را هم نمی‌کردند مرد میانسالی در این دنیا باشد که دلبستگی عجیبی به کامیونش داشته باشد، به‌قدری که آن را مثل فرزند خود بداند و شب و روز با او صحبت کند.
حتی زمانی که کامیون در پارکینگ بدون سقف است، با آمدن باران نگرانش شود و او را با حوله خشک کند. این داستانی است که علی شاه‌حاتمی برای مجموعه‌های «خوش‌رکاب» و «خوش‌غیرت» طراحی کرد.
در سری اول این مجموعه مخاطب شاهد دلبستگی‌های عجیب مردی به کامیونش که اسم «خوش‌رکاب» را بالای آن حک کرده بود مواجه شد. اما در سری دوم آقاتقی نام «خوش‌غیرت» را برای دلبرش انتخاب کرد.
ماجرا از جایی شکل گرفت که آقاتقی با بازی محمد کاسبی به اجبار برای رساندن کمک‌های مردمی راهی جبهه شد و تحولی در او ایجاد کرد تا باعث شد در سری دوم این مجموعه تلویزیونی، تقی برای کمک به مردم عراق که در جنگ با آمریکا بودند، راهی کربلا شود و به همراه شاگردش با بازی مجید صالحی ماجراهایی را خلق کند که بیننده را تا پایان سریال با خود همراه کند.
یکی از نکات مهم بازی روان محمد کاسبی است که این روزها حال و روز خوبی ندارد و درگیر بیماری است. این بازیگر پیشکسوت و توانمند در کنار شیرین‌کاری‌های مجید صالحی و بده‌بستان‌های خوبی که با هم داشتند، مورد توجه مخاطبان قرار گرفت.
جالب این‌که آقاتقی این سریال، یکی از نقش‌های محبوب و ماندگار این بازیگر شد. همچنین مجید صالحی با آن چهره‌ای که اصطلاحا به شاگرد شوفرها شبیه بود و ادبیاتش هم شباهت بسیاری به آنها داشت، در این سریال نقش عزت را بازی کرد که با مادرش زندگی می‌کرد و مدام با اوستایش آقاتقی چالش داشت.
مخاطب گاهی احساس می‌کرد این شخصیت گاهی به کامیون آقاتقی هم حسادت می‌کرد. او در بازی‌اش رگه‌های کمدی داشت که به دل مخاطب می‌نشست. همچنین تیتراژ جالبی داشت که البته در سری قبل این مجموعه هم پخش می‌شد و آن هم به‌نوبه خود طرفداران بسیاری پیدا کرده بود.
می توان گفت شاه حاتمی با ساخت این اثر و محور قرار دادن یک کامیون در قصه در ساخت آثار تلویزیونی به نوعی هم تابوشکنی کرد، زیرا تا قبل از آن کارگردانی به سراغ کامیون نرفته بود که محور داستانش باشد.
این ویژگی باعث شد تا این سریال مورد توجه و اقبال مردمی قرار بگیرد و بعد از استقبال مردم از سریال خوش رکاب، مجموعه خوش غیرت هم ساخته شد.
البته مخاطبان این انتظار را داشتند که ساخت این اثر ادامه پیدا کند اما شاه حاتمی بعد از ساخت این آثار به سراغ دیگر موضوعات مبتلا به جامعه رفت و آنها را دستمایه ساخت سریال های تلویزیونی قرار داد اما هیچ کدام از آثارش نتوانست محبوبیت این دو اثر را کسب کند. بازپخش این سریال در شبکه آی فیلم با استقبال خوب مخاطبان مواجه شده است.

گزارش میدانی

گزارشی از سرنوشت کامیون خوش‌رکاب و صاحب واقعی‌اش

دیدار دوباره با دلبر آهنی

زینب علیپورطهرانی
گروه رسانه

پیش از تماشای سریال‌های «خوش‌رکاب» و «خوش‌غیرت» اصلا به ذهنتان هم خطور نمی‌کرد مرد بالغی که همسر دارد و پدر چند فرزند است، دلبسته یک کامیون نارنجی باشد اما این داستان واقعی است. یکی از اهالی جنوب تهران که حوالی پایانه جنوب زندگی می‌کرد، کامیونی داشت که بسیار به آن علاقه‌مند بود. اگر از فعل ماضی استفاده می‌کنیم به این دلیل است که ایشان سال‌هاست به رحمت خدا رفته. خلاصه این‌که به‌قدری به این کامیون نارنجی علاقه داشت که مثل فرزند دردانه‌اش با او برخورد می‌کرد. همین باعث شد علی شاه‌حاتمی سریالی با همین مضمون بسازد و از نام صاحب کامیون که به تقی عشقی هم معروف بود، استفاده کند. البته شاه‌حاتمی زمانی این سریال را ساخت که صاحب اصلی این کامیون درقید حیات نبود و پسرانش، یادگاری پدر را به این پروژه اجاره داد. شاید اگر پدرشان، مرحوم بختیاری زنده بود هیچ‌وقت اجازه نمی‌داد دلبر آهنی‌اش هر روز در اختیار یک گروه فیلمبرداری باشد و تا این حد در معرض خطر و صحنه‌های جنگی حضور داشته باشد.

یکی از پسران یعنی حسین بختیاری همان سال‌هایی که این سریال‌ها ساخته شد، در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها عنوان کرده بود: «بدترین اتفاقی که تا به حال برای داف عشقی، همان خوش‌رکاب مشهور افتاده است، حضور این کامیون در همین سریال تلویزیونی بود. آن را برای صحنه‌هایی گل‌مالی کردند و تمام بدنه‌اش را با خاک رس پوشاندند. آن را از میدانی عبور دادند که پر از انفجارهای متعدد بود.» نگرانی آنها تا جایی بود که باعث شد صاحب فعلی خوش‌رکاب اواسط قرارداد تصمیم بگیرد اصلا دیگر سر فیلمبرداری نرود، چون هر کاری که کرد، نتوانست به بازیگر نقش پدرش یعنی محمد کاسبی یاد بدهد این‌قدر به کامیون داف نارنجی پدر گاز ندهد، بنابراین خیلی از صحنه‌ها را خود حسین‌آقا، پسر بزرگ بازی کرد. حسین‌آقا راننده ترانزیت هم بوده است. حسین بختیاری کسی است که در صحنه‌های مربوط به جبهه و انفجارها دلش تاب نمی‌آورد و خودش پشت رل نشست و به جای محمد کاسبی رانندگی می‌کرد.

همه او را عشقی صدا می‌کردند

مدتی است اهالی محل، دیگر کامیون نارنجی را نمی‌بینند؛ چون عده‌ای از همسایه‌ها به‌علت کم‌عرض بودن کوچه و سختی رفت و آمد شکایت کردند و از آن طرف هم ماموران نیروی انتظامی پلاک کامیون را از آن جدا کرده و برادران بختیاری ناچار شدند کامیون پدر را به پارکینگ منتقل کنند. مدتی است که شنیده می‌شود کامیون را برای فروش گذاشته‌اند و رقم بالایی هم برایش درنظر گرفته‌اند. البته فکر نکنید خانواده به‌دلیل مشکل مالی قصد فروش دردانه پدر را دارند بلکه آنها شرایط نگهداری از کامیون را ندارند. این را یکی از اهالی محله می‌گوید که یکی از مغازه‌ها را اجاره کرده. به گفته اهالی محل، آقای بختیاری مرد خوب و مردمداری بود و همه اهالی آن منطقه از کوچک تا بزرگ گرفته، او را می‌شناختند و از دلبستگی‌اش به خوش‌رکاب مطلع بودند. حتی کوچک‌ترها هم داستان علاقه به کامیونش را از پدرانشان شنیده بودند. به همین دلیل اگر به محله سری بزنید، از هر کسی بپرسید نشانی خانه تقی‌عشقی را می‌دهد و داستان این علاقه را برایت تعریف می‌کند. مردم محل می‌گویند خیلی‌ها با او شوخی می‌کردند. از جمله مردی به نام بهروز روحی که یکی از مستاجرهای او است و صاحب یک گلفروشی درست سر کوچه‌ای که تا سال‌ها خوش‌رکاب آنجا پارک شده بود. با او دقایقی درباره او و کامیونش هم‌کلام شدیم: «من ۶۰ سال است در این محله زندگی می‌کنم و بچه همین‌جا هستم. اصلا همین جا به دنیا آمده‌ام اما چهار سال است گلفروشی باز کرده‌ام و خدا را شکر روزگار می‌گذرانم.»

خوش‌رکاب به فروش می‌رسد

آقا بهروز می‌گوید: «اسم اصلی‌اش، محمد بختیاری بود اما به او عشقی هم می‌گفتند. مرد خوش‌اخلاقی بود. گاهی هم به شوخی تقی عشقی صدایش می‌کردند. از وقتی من بچه بودم، یادم هست او را عشقی صدا می‌کردند، چون صاحب این کامیون بود و خیلی هم دوستش داشت. کلی شبرنگ روی آن آویزان می‌کرد اما بعد از سال‌ها شبرنگ‌ها را از روی آن برداشت. یادم می‌آید همسایه‌ها خیلی با او و کامیونش شوخی می‌کردند. تا وقتی زنده بود، من هم با او خیلی شوخی می‌کردم اما حدود ۳۵ سال است که فوت شده و بچه‌هایش از کامیون نگهداری می‌کنند. البته نه مثل پدر که دلبستگی‌اش به این کامیون بیشتر بود. چون اگر مثل پدرشان بودند، هیچ وقت کامیون را به این سریال اجاره نمی‌دادند.»
آقای گلفروش همزمان که با ما گفت‌وگو می‌کرد، گلدان‌ها را جابه‌جا می‌کرد و بیرون مغازه می‌گذاشت و می‌گفت: «پسرهای او چندوقتی است خوش‌رکاب را برای فروش گذاشته‌اند اما به‌قدری قیمت را بالا برده‌اند که هیچ‌کسی آن را نمی‌خرد. به هر حال هر چیزی قیمت خودش را دارد، مگر این‌که کسی مثل پدرشان پیدا شود که به خوش‌رکاب علاقه داشته باشد یا کلکسیونر باشد وگرنه با قیمتی که آنها گذاشته اند اصلا نمی‌ارزد. یادم هست تا وقتی ایشان، زنده بود با این کامیون کار می‌کرد و مدتی هم پسر بزرگش با آن کار می‌کرد. اما چند سالی بود سر کوچه مانده و صدای همسایه‌ها را درآورده بود. مدتی هم یکی از آشنایان، چند تا سبد میوه جلوی کامیون گذاشته بود و می‌فروخت و از طرفی هم نگهبانی کامیون را می‌داد اما چون همسایه‌ها شکایت کردند، پلاک ماشین را هم باید عوض می‌کردند که نکردند؛ به همین دلیل نیروی انتظامی پلاک ماشین را از آن جدا کرد و دیگر نمی‌توانند با آن کار کنند.» آقا بهروز گلفروش تازه کرکره مغازه را بالا کشیده و همین که می‌خواستیم از او عکس بگیریم، یکی از عابران که از قضا با آقا بهروز آشنا بود از جلوی مغازه عبور کرد و به رسم محله‌ها و کاسب‌های قدیمی با هم احوالپرسی کردند. او به ما گفت: «من در همین محل به دنیا آمدم و خدا بیامرز محمد عشقی را می‌شناختم. مرد خوش‌مشربی بود و با این‌که اهالی محل با او و کامیونش شوخی می‌کردند اما اصلا به دل نمی‌گرفت و به همه لبخند می‌زد. اما هیچ‌کسی نفهمید دلیل علاقه او به این کامیون چه بود و قصه دلدادگی‌شان چطور شکل گرفت. فقط او را می‌دیدیم که مدام دستمال و شیلنگ آب به دست، ماشین را می‌شوید و دستمال می‌کشد. همیشه این کامیون تمیز بود و یک خط روی آن نیفتاده است.»

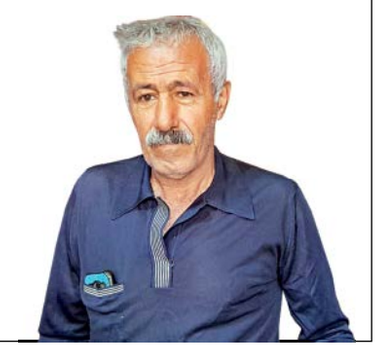

درنگ

خوش‌رکاب در پارکینگ

«حسین‌آقا، پسر بزرگ هم مثل پدرش به این کامیون علاقه داشت و مدتی هم خودش با آن کار می‌کرد اما الان چند سالی است کامیون در پارکینگ هست و برای فروش قیمت بالایی روی آن گذاشته‌اند. البته وضعیت مالی بدی ندارند و از روی فقر آن را برای فروش نگذاشته‌اند. اما خب هزینه‌بر است و هیچ‌کدام از پسرها شرایط نگهداری‌اش را ندارند. من شنیده بودم تلویزیون هم می‌خواسته آن را از پسرهای بختیاری بخرد. نمی‌دانم چقدر درست است. مثل این‌که به توافق مالی نرسیده بودند و خواسته خانواده بختیاری بیشتر بوده. به‌هر حال حق دارند. یادگار پدرشان است. شاید هم قیمت بالا گذاشتند تا کسی آن را نخرد و یادگار پدر همین‌طور در خانواده بماند. خدا می‌داند.»

برای دیدن تیزر سریال «خوش‌غیرت» کیوآر کد را اسکن کنید

پیشنهاد هفته

فرار از بیکاری

اگر به تماشای فیلم‌های کمدی علاقه دارید، آن هم فیلمی که کارگردانش کمدین محبوبی باشد، می‌توانید روز چهارشنبه ساعت ۱۳ به تماشای فیلم «لیموترش» به کارگردانی جواد رضویان بنشینید که از شبکه نمایش پخش می‌شود. جواد رضویان که قطعا معرف حضور است؟ همان بازیگر و کارگردان کمدی طنازی که با بازی‌هایش خاطرات بسیاری داریم. به‌خصوص در سریال «پاورچین» و نقش داونه با آن گویش شیرین و بانمک که در زمان خود یکی از سریال‌های پرمخاطب تلویزیون بود. رضویان فیلم لیموترش را اوایل دهه ۹۰ ساخت و بارها از شبکه‌های مختلف تلویزیون هم پخش شد. حال حتما می‌پرسید داستان این فیلم چیست؟ علی مسعودی یا همان علی‌مشهدی قصه فیلم را درباره جوانی بهروز نوشته است که در یک درمانگاه پزشکی شاغل است، بروز اتفاقاتی موجب می‌شود تا او ناگزیر به ترک درمانگاه شود. پس از این اتفاق که منجر به بیکاری او می‌شود، یکی از دوستان بهروز که وضع روحی او را نامناسب می‌بیند، پیشنهاد می‌کند برای فرار از بیکاری، مراقبت پزشکی از پیرمرد بیماری را در منزلش به عهده بگیرد.

جدایی دو برادر

فیلم «مجنون بی‌لیلی» به کارگردانی جهانبخش سلطانی و تهیه‌کنندگی مجید عکاف‌زاده، سه‌شنبه ساعت ۱۳ از شبکه نمایش پخش خواهد شد. جهانبخش سلطانی را که می‌شناسید. همان بازیگر توانمندی که با گویش شیرین اصفهانی همراه بهزاد خداویسی با مجموعه «سرنخ» به شهرت رسیدند و هنوز هم این مجموعه یکی از کارهای موفق تلویزیون محسوب می‌شود. او در زمینه کارگردانی هم فعالیت می‌کرد و سال ۱۳۹۸ تله‌فیلمی با عنوان مجنون بی‌لیلی را با موضوع دفاع مقدس ساخت که به جشنواره ملی تولیدات هنری فانوس اصفهان راه یافت. داستان فیلم روایت قصه دو برادر رزمنده دفاع مقدس به نام‌های (مرتضی و مجتبی) است که در جنگ شیمیایی می‌شوند، از هم دور می‌مانند و با پیدا شدن پلاک و انگشتر مجتبی در تفحص، ماجرای پرمعمای آنان آغاز می‌شود. در این فیلم رضا توکلی، جهانبخش سلطانی و رضا ایرانمنش ایفای نقش کرده‌اند.

دردسرهای سه قلوها

اگر به تماشای فیلم‌های خانوادگی علاقه دارید و همچنین از طرفداران بازی‌های جواد عزتی هستید، می‌توانید فیلم «فرشته‌ها با هم می‌آیند» را سه‌شنبه ساعت ۲۱ از شبکه نمایش به تماشا بنشینید. فیلمی به کارگردانی حامد محمدی که سال ۱۳۹۲ ساخته شد و سال بعد از آن به اکران عمومی درآمد. این فیلم، داستان یک روحانی جوان به نام احمد - جواد عزتی - است که با همسرش لیلا - نازنین بیاتی - با تنگدستی روزگار سپری می‌کنند و صاحب سه قلو نیز می‌شوند که در ادامه پیشنهادات وسوسه‌کننده‌ای به او می‌شود. در این فیلم در کنار نازنین بیاتی و جواد عزتی، رضا ناجی و الهام کردا ایفای نقش کرده‌اند. این فیلم بعد از فیلم‌های «زیرنور ماه» و «طلا و مس» با موضوع طلبه‌ها و روحانی‌های جوان، جزو پرمخاطب‌ترین فیلم‌هایی با این مضمون است. «فرشته‌ها با هم می‌آیند» برای خانواده‌هایی که یکباره با تولد چند نوزاد درگیر مشکلاتی می‌شوند، جذاب و تماشایی است. چون سکانس‌های ملموس و باورپذیری دارد. به‌خصوص زمانی که هر سه نوزاد با هم گریه می‌کنند یا گرسنه می‌شوند و همین موضوع باعث می‌شود که پدر و مادر درگیر مشکلاتی از این دست شوند.

نشست

پرداختن به امنیت در رسانه ملی

فرماندهان نیروی انتظامی و مرزبانی استان در نشستی مشترک با مدیرکل صداوسیمای مرکز آذربایجان شرقی، با بررسی نقاط اشتراک رسانه ملی و انتظامی و مرزبانی، بر اهمیت همکاری و هماهنگی بیشتر این نهادها با یکدیگر برای حفظ امنیت و آرامش مردم در شرایط حساس کنونی تأکید کردند. مدیرکل صداوسیمای مرکز آذربایجان شرقی در این نشست به ماموریت رسانه ملی در ساماندهی افکار عمومی پرداخت. صفری با بیان این‌که یکی از مأموریت‌های مهم و جدی در رسانه ملی، پرداختن به موضوع امنیت است، عنوان کرد: «امروزه هجمه‌های سنگین دشمنان نظام جمهوری اسلامی در عرصه رسانه به ویژه در فضای مجازی، تشویش افکار عمومی و ایجاد بسیاری از مشکلات فرهنگی است و تلاش می‌کنند ارزش‌های اسلامی را تحریف و جای ظالم و مظلوم را عوض کنند.» فرمانده انتظامی نیز در این نشست با قدردانی از تلاش‌های رسانه ملی در تبیین دستاوردهای دستگاه‌های مختلف اجرایی و پرداخت هنرمندانه به اقتدار، رحمت، کارآمدی و هوشمندی پلیس گفت: «صدا و سیما و نیروهای نظامی و انتظامی همواره مورد تهاجم جبهه فرهنگی متخاصم بوده‌اند و باید در مقابل آنان هوشمندانه و با برنامه ریزی عمل کرد.»

آوای ماندگار

حالا که می‌روی...

نوشین مجلسی
گروه رسانه

بهمن ۹۷ سریال «لحظه گرگ و میش» به کارگردانی همایون اسعدیان از شبکه سه پخش شد که سرنوشت خانواده‌ای را از روزهای جنگ تا سال‌ها بعد از آن به تصویر می‌کشید. یکی از جذابیت‌های سریال، ترانه‌های خاطره‌انگیز آن بود که با صدای محمد معتمدی بازخوانی یا برای بار نخست اجرا می‌شد. قطعه‌ای که سوار بر تیتراژ این سریال به گوش می‌رسید، با نام «حالا که می‌روی» یکی از یادگاری‌های شنیدنی این سریال برای مخاطبان جعبه جادو است. ترانه این قطعه عاشقانه و پرسوز را محمدمهدی سیار سروده، ساخت ملودی به‌عهده فرید سعادتمند بوده و تنظیمش را هم هومن نامداری انجام داده تا صدای گرم معتمدی از دلتنگی بخواند.

برای شنیدن این قطعه کیوآر کد را اسکن کنید

جشنواره

حضور فعال مرکز صبا در جشنواره پویانمایی تهران

مرکز پویانمایی صبا به عنوان بزرگترین تولید کننده پویانمایی کشور در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران حضوری فعال و پررنگ خواهد داشت. این مرکز با تولیدات گسترده‌ای که دارد، پویانمایی‌های بسیاری را در طول سال تولید می‌کند. این مرکز در راستای تولید محصولات پویانمایی و چند رسانه‌ای، جوایز متعددی از جشنواره‌های داخلی و خارجی دریافت کرده و امسال نیز با ارائه آثار فاخر حوزه انیمیشن، در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران، حضوری پررنگ‌تر خواهد داشت. بنابراین گزارش، مرکز پویانمایی صبا در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی که همزمان با هفتمین بازار ملی پویانمایی تهران برگزار می‌شود علاوه بر ارائه آثار مختلف، توان و ظرفیت خود را در رقابت با تولیدات خارجی به منصه ظهور خواهد گذاشت. مرکز پویانمایی صبا همچنین در دوازدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران با تخصیص غرفه مستقل، ضمن میزبانی هنرمندان، انیماتورها، کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگان مطرح حوزه انیمیشن و مدیران گروه‌های تولیدی مرکز؛ پاسخگوی سوالات مخاطبان و بازدیدکنندگان این حوزه نیز خواهد بود. دوازدهمین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران ۸ تا ۱۲ خرداد در مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری واقع در خیابان حجاب برگزار خواهد شد.